



## توهم آبروداری در ازدواج و عروسی

متأسفانه بعضی امروز اشتباه می‌کنند چون که سابق مسئولین کشور و سرمدمداران، آن طور رفتار می‌کردند، حال حلا هم که اینها شدند سرمدمدار، خیال می‌کنند باید از این کارها بکشند. نه آقا، آنها طاغوتی بودند، آنها اهل دنیا بودند. ما روحانی هستیم، آنهاهی هم که روحانی نیستند، اهل دین هستند. ما زندگی‌مان جور دیگر است، رفتارمان جور دیگر است. مُش‌مان جور دیگر است.اخلاقمان جور دیگر است.

هدفمان اصلاً ی آنها فرق دارد. نباید از آنها تقلید کنیم. ما باید کاری بکنیم که مردم از ما تقلید کنند.<sup>(۱)</sup>

**این، آبرو عزّت نیست**

بعضی خیال می‌کنند که تشرفیفات و در هتل چینی و چنان رفتن، سالن‌های گران قیمت، خرج‌های زیادی کردن، عزّت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر عزّت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسائِت و تقوا و پاکدامنی و بلند نظری آنهاست، نه به این چیزها...<sup>(۲)</sup>

بدانند! ساده بر گزار کردن ازدواج، چه در مهره، چه در جهیزهٔ و چه در مجلس عروسی، ننگ نیست که بعضی خیال می‌کنند اگر ما عروسی را برای دخترمان ساده برگزار کنیم دختر ما سرشکسته خواهد شد. نه! سرشکسته نخواهد شد. این اشتباه شمامست.<sup>(۳)</sup>

ما به آنهاهی که نادرند نصیحت می‌کنیم که به غرب و عجم متوسل نشوند که پول قرض کنند برای اینکه آبرویشان را به قول خودشان بخرند! آبرو چیست! این آبرو است؟ اگر چشم را باز کنیم، این آبرو نیست. بعضی‌ها خودشان را قرض‌دار می‌کنند، برای اینکه بتوانند مثلاً آبرومند از آب در باورند! ببخود و بی‌جهت.<sup>(۴)</sup>

«پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

- خطبه عقد مورخه ۱۳۷۴/۵/۱۱
- خطبه عقد مورخه ۱۳۷۵/۵/۱۱
- خطبه عقد مورخه ۱۳۷۵/۹/۱۸
- خطبه عقد مورخه ۱۳۷۵/۱۰/۵

## در محضر امام خمینی (ره)

## بهترین طنزهای گل آقا ، پس از دیدار با امام

چند ماه پیش از ارتحال آن وجود عزیز و نادره روزگار-امام خمینی قدس سرّه الشریف-روزی به حجت‌الاسلام دعایی گفتم:

«پیش از آنکه «گل آقا» باشم، در محضر شریف آقای خامنه‌ای و قبل از آن‌که در دفتر شهید رجایی-ره- بودم و افتخار آن را داشتم که در معیت آن بزرگواران، گاهی شرف ملاقات با حضرت امام را داشتم باشم. اکنون، چند سالی است که از این فیض محروم و دلم، هوای دیدار آن محبوب را دارد و به دیداری از راه دور، قانع نیستم. آیا برای دست‌بوسی امام، راهی نیستم؟»
آقای دعایی پس از سکوتی کوتاه، گفت: «خدا بزرگ است.» دو هفته بعد، شیی آقای دعایی تلفن کرد که فردا صبح ساعت ۷-به خانۀت خواهم آمد تا به جایی برویم. دانستم که داستان چیست و آماده شدم. در گذر از کوچه‌های چهارمان، پاسداران-این‌دلسوسخه‌ترین عاشقان امام-وقتی به آقای دعایی سلام می‌کردند، کما پیش از: «گل آقا» می‌رسیدند که شنیده ایم امام، گاهی با خواندن نوشته‌های لیختد می‌زند. از اینکه دل امامان را شاد می‌کنی، از تو متوسلیم، آیا خود، از این موضوع خبر داری ؟

کمیاتی، خیر داشتیم. چون در تعهد بود که آزرده خاطرش نکنم و گاه از آقای دعایی می‌پریدم: «هنوز، نظر حضرت امام درباره گل آقا، همان است که بود؟»

و ایشان پاسخ می‌داد: «همان است. که بود.»
عقربه ساعت ۸ صبح را نشان می‌داد. به من گفته شد که امام، هر روز اخبار ساعت ۸ را می‌شنوند. سپس اعضای دفتر، گزارش روزانه می‌دهند. آنگاه امام، دیدار کنندگان را می‌پذیرند. دقیقاً چنین شد. سپس، امام به اطاق کوچکی تشریف بردند و پس از یک دیدار کوتاه با یک روحانی، آقای دعایی و من شرفیاب شدیم.

ساده و بی‌پیرایه، نشستہ بود، ابهت و جلال و شکوهی در اتساق نبود، جز در وجود نازنین خودش. آمیزه‌ای از وقار بود و مهربانی، ضعیی در جسمش به دید می‌آمد (اگر به عظمت روحش نمی‌اندیشیدی) باقی هر چه بود، چیزی مخصوص بود که در زندگانی هیچ رهبر دیگری در جهان معاصر، دیده نشده است: صمیمی و مهربان و استوار و ساده.

سپس آقای دعایی مرا - که ظاهری متفاوت با دیگران داشتم - به آرامی به امام معرفی کرد:

«ایشان، کیومرث صابری است. شاعر و نویسنده است. مشاور فرهنگی و مطبوعاتی شهید رجایی بوده‌است. در دفتر آقای خامنه‌ای هم ادامه خدمت داده است. برای انقلاب، روح و فطن است.»

امام، زیر لب، می‌گفت. من به چهره نورانی‌اش می‌نگریستم. هیچ‌گاه سر بلند نکرد و در کسی ننگریست. من ساکت بودم و آقای دعایی می‌گفت: «... و چرا خسته‌تان کنم. ایشان، «گل آقا» ست.»

آنگاه امام به لیختدی کربان من نگریست.
پس بی‌باشاره‌ای، همسایه نزدشان آوردند و امام، سه بار، دست این کرد و هر بار، چند سکه (ریالی) به من داد. چون، به بیرون آمدم، ۱۴ سکه بود و من آن را به نیت ۱۴ معصوم(س) به فال نیک گرفتم و جز یکی، باقی را به دیگران دادم ...

اما چه گفت؟ آن را در جایی دیگر خواهم گفت.

من بهترین طنزهایم را پس از آن دیدار نوشته‌ام و شهرت گل‌آقای من از آن روز، روزافزون شد و استقبال مردم از من بیشتر گردید و در قلب مهربان مردم و هموطنانم، جایی برای من گشوده شد و من به پاس این نعمت، خدای را سپاس می‌گزام.

دشمن، از انقلاب ما، چهره‌ای خشن تصویر کرده است. پخشى ازین ـ به سخت دل‌دار، چند سکه (ریالی) به من داد. چون، به بیرون آمدم، ۱۴ سکه بود و من آن را به نیت ۱۴ معصوم(س) به فال نیک گرفتم و جز یکی، باقی را به دیگران دادم ...

اما چه گفت؟ آن را در جایی دیگر خواهم گفت.
پس بهترین طنزهایم را پس از آن دیدار نوشته‌ام و شهرت گل‌آقای من از آن روز، روزافزون شد و استقبال مردم از من بیشتر گردید و در قلب مهربان مردم و هموطنانم، جایی برای من گشوده شد و من به پاس این نعمت، خدای را سپاس می‌دارم.
«آقای کیومرث صابری (گل آقا)، کتاب آن سفر کرده ، ص ۳۳

### در مطلب حاضر چیستی کِهانت و پیشگویی و دیدگاه قرآن درباره آن و رابطه تکهین و جنبین مورد بررسی قرار گرفته است.

\*\*\*

پیشگویی غیر از پیش‌بینی است. پیش‌بینی بر اساس استناد به امور طبیعی، عادی، علل و عواملی است که انسان بر اساس آن از آمدن باران یا خشکسالی یا ترسالی خبر می‌دهد؛ اما پیشگویی گفتن آینده است که مستند به علل و امور طبیعی نیست. پیشگویی می‌تواند مستند به اموری غیر عادی و غیر طبیعی باشد که از آینده‌ای حق خبر می‌دهد، مانند اخبار آینده که از سوی پیامبران و اولیای معصوم (الهی(ع) بیان می‌شود؛ زیرا آنان به منبعی متصل هستند که اخبار ام الکتاب و لوح محفوظ را در اختیار دارد؛ و مالک آن است. البته برخی از افراد هستند که توانایی پیشگویی دارند؛ زیرا با کسانی از جنبین ارتباط می‌یابند که همانند اولیای الهی انسانی، از اولیاءالله هستند و توانایی و دانایی در سطحی از پیشگویی را دارا هستند؛ اما بیشتر کسانی که با جنبین ارتباط دارند با جنبین کافر است که سارق بوده و استراق سمع می‌کنند؛ در حالی که فرشتگان با شهاب ثاقب آنان را از محیط اطلاعاتی دور می‌سازند تا از اخبار آینده آگاه نشده و پیشگویی نداشته باشند؛ این گونه است که این دزدان اطلاعات و اخبار، به دو سبب کفر و سرقت ناقص، اگر اطلاعاتی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهند، آمیخته‌ای از حق و باطل و راست و دروغ است.

از نظر قرآن، افرادی که با جنبین ارتباط دارند و به روش‌هایی چون سحر و طلسم، مانند آن نمسک می‌جویند، به عنوان «کاهن» مطرح هستند؛ زیرا واژه «کهن» در فرهنگ عربی و قرآنی ، به کسی گفته می‌شود که با ارتباط با جنبین قادر به پیشگویی و بیان اخباری است که بیرون از دسترسی عادی بشر است. واژگان «کهن» و «کِهانت» نیز به معنای پیشگویی، فال‌ گویی و بیان اخبار غیبی و آینده با استفاده از موکلان جنی است.

در تعریف کاهن گفته‌اند:‌الکاهن من يتعاطى الخیر عن الکائنات فی مستقبل الزمان؛ کاهن کسی است که از وقایع و حوادث آینده خبر دهد؛ و نیز گفته‌اند:‌الکاهن من کان له رأی من الجن یاغیة الاخبار؛ کاهن کسی است که با ارتباط با جن اخباری را از او می‌آورد و بیان می‌کند؛ زیرا کلمه «رأی» بر وزن غنی به معنای صاحب رأی و تابع است.(المصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۶۱)؛

## معارف Maaref@Kayhan.ir

(صافات/آیات ۶ تا ۱۰)

برخی از فرشتگان آسمان به عنوان زاجرات، مسئولین این را دارند که این دزدان جنی اطلاعات و اخبار آینده را با شهاب‌های ثاقب و شکافته برانند تا از اخبار ملاً اعلی دزدی و سرقت نکنند(صافات، آیه ۲)

خدا می‌فرماید که پس از ظهور پیامبر(ص) شمار نگهبانان آسمان بیشتر شده است و حراست شدیدی از آسمان می‌شود تا دسترسی جنین سارق کاهش یابد؛ چنانکه خدا می‌فرماید: و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را بر آن نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و در آسمان برای نشینن به کمین می‌نشستیم؛ اما اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می‌یابد و ما درست نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمین هستند بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است. (جن، آیات ۸ تا ۱۰)

پس از سوسی خدا محدودیت‌های شدیدی برای جنبین اعمال شده تا دسترسی به آسمان و اطلاعات غیب کاهش یابد. از همین رو آنان دیگر نمی‌توانند اطلاعات کامل و جامعی را به دست آورند. از سوسی اطلاعات آنان همواره به سبب کفر و زردی مخدوش بوده و کامل نیست و نمی‌توان به اخباری که راست و دروغ درهم آمیخته اعتماد و اطمینان کرد؛ بنابراین، پناهجویی انسان‌های کاهن به جنبین برای حفظ خود یا کسب اطلاعات امری نادرست و ناروا است؛ خدا از زبان جنبین می‌فرماید: **وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ یَسْمُونَ بِرِجَالِ مِنَ الْجِنَّةِ فِرَّادُوهُمْ رَهَقًا؛** و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌برند و بر سر کشی آنها می‌افروزند. (جن، آیه ۶) اما چنین پناهجویی می‌تواند موجب سرکشی و دور شدن شخص از حق و حقیقت شود و به جای آنکه در مسیر درست و راست قرار گیرد از آن دورتر شود.

## از نظر اسلام نه تنها کِهانت باطل و حرام است، بلکه کسانی که نزد آنان می روند تا از اخبار غیبی و پیشگویی‌های آنان مطلع شوند، آنان نیز گناهی بزرگ مرتکب می شوند.

حتی‌گاه برخی از بیماران را به هنگام جراحی هیپنوتیزم کرده، و از داروی بی‌حسی استفاده نمی‌نمایند، این کار نیز اشکالی ندارد، اما اگر کسی را خواب کنند تا اطلاعاتی از او بگیرند و اسرار و اخبار پنهانی مردم را کشف کنند، کار حرامی است. نتیجه اینکه اصل کِهانت از نظر شریعت مقدس اسلام از گناهان شمرده شده و خدانده به مسلمان اجازه پیشگویی نداده است.(نگاه کنید: سونگدهای یار بار قرآن، آیت‌الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۶ ق.م، ص ۲۵۰-۳۵۲)

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان دریافت که کِهانت، امری نکوهیده نزد خداوند است(نساء، آیه ۵۱)؛ زیرا ممکن است که مراد از «الطافوت» کِهانت باشد. (روح المعانی، ج ۴، جزء ۵، ص ۸۲)

**اِتِّهَام کِهانت به پیامبران**

در طول تاریخ پیامبران به کِهانت متهم شده‌اند؛ زیرا به سبب ارتباط با خدا از اخبار غیبی اطلاع می‌یافتند که بسیار مفید و سازنده برای انسان است. عبارت تمامی دشمنان پیامبران عبارتی چون ساحر و مجنون است: كَذَّبَکَ مَا تَأْتِیَ الذِّینَ مِنْ رَبِّهِمْ مِنْ رِجَالٍ لِأَقَالُوا سَاحِرَ وُ مَجْنُونٍ؛ بدین‌سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد، جز اینکه گفتند: ساحر یا جن‌زده‌ای است.(ذاریات، آیه ۵۲)

از آنجا که برخی از پیامبران از جمله حضرت سلیمان نبی(ع) از لشکر جنبین حتی شیاطین این بهره می‌برد، اتهام نسبت به ایشان بیشتر از هر پیامبر دیگری است.(بقره، آیه ۱۰۲)

حضرت سلیمان(ع) برای انواع کارهای خویش از جنبین از جمله شیاطین استفاده می‌کرد که شامل کارهای غواصی و آهنگری و بنایی و مانند آنها بوده‌است.(ص، آیات ۳۶ تا ۳۸، انبیاء، آیات ۸۱ و ۸۲) یکی از جنبین به نام عفريت نیز بر آن شد تا تحت بلقس ملکه سبا را از یمن به فلسطین و بیت‌المقدس بیاورد.(معل، آیات ۳۸ و ۳۹)

همین ارتباط موجب شد تا چنین اتهامی به ایشان زده شود. به پیامبر(ص) هم اتهام زده شد که قرآن را از جنبین گرفته است و خدا مشرکان را به سبب این اتهام کِهانت سرزنش و توبیخ می‌کند(حاقه، آیه ۴۲)؛ مقصود از «**لو یافول...**» نفی تمهت کِهانت ق قرآن و گرفته شدن آن از جنبین به وسیله پیامبر(ص) است.(المیزان، ج ۱۹، ص ۱۰۴؛ الکشاف، ج ۴، ص ۶۰۶)



از نظر قرآن، هر چند که کفر می‌گویند؛ این قرآن سحر و کِهانت است، لکن خدای علام، مؤکداً می‌گوید: ما قرآن را بر تو فرستادیم، قرآن نه از قبیل سحر است و نه از قبیل کِهانت، بلکه از نزد پروردگار تو فرود آمده است. (حاقه، آیات ۲۰ تا ۴۳؛ مخزن العرفان، ج ۱۴، ص ۲۴۹)

همچنین اینکه خدانود در آیه ۲۹ طور، کاهن نبودن پیامبر(ص) را به «**بعمّة ربک**» مقید کرد، خواست تا بر خصوص آن جناب متنت بگذارد و بگوید که تو نعمت خاضی داری و آن نعمت نمی‌گذارد در معرض کِهانت باشی.(المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸)

## محدودیت‌های شدیدی برای جنبین اعمال شده تا دسترسی به آسمان و اطلاعات غیب کاهش یابد. از همین رو آنان دیگر نمی‌توانند اطلاعات کامل و جامعی را به دست آورند.

## از سوسی اطلاعات آنان همواره به سبب کفر و زردی مخدوش بوده و کامل نیست و نمی‌توان به اخباری که راست و دروغ درهم آمیخته اعتماد و اطمینان کرد؛ بنابراین، پناهجویی انسان‌های کاهن به جنبین برای حفظ خود یا کسب اطلاعات امری نادرست و ناروا است.

برخی بر این باور بودند که حضرت یوسف(ع) برای تأویل و تعبیر رویا، از کِهانت بهره می‌برد اما خواندن آن را نفی کرده و ایشان را از کِهانت در این زمینه میرا و منزه می‌داند(یوسف، آیه ۲۷)؛ بر این اساس که سخن یوسف(ع) در آیه که می‌فرماید: **«مَا عَلِمْنی رَسی»** از آن جهت بود که خواست بگوید: من شما را از وحی و علم خبر می‌دهم، نه از نجوم و کِهانت. (تفایق التأویل، ص ۲۸۷)

## اولویت با متخصص یا متعهد؟

و اگر متخصصی جز فتنه گران غیرمتعهد نیست، نمی‌بایست از آنان بهره گرفت؛ چنانکه بهره‌گیری از آنان موجب شده است که متخصص غیرمتعهد ممکن است کار شود و امنیت روانی و غدایی مردم با خطر مواجه شود. متخصصان غیرمتعهدی که به قول قرآن، نه تنها دوست دارند به غریبان متعهد غیرمتخصص به گونه‌ای است که کار خراب‌تر نمی‌شود.

از نظر قرآن، برای انجام کارهای خیر و نیک نمی‌توان از افرادی استفاده کرد که گمراه هستند هر چند که ممکن است متخصص باشند. اینکه خدا می‌فرماید: **وَمَا کُنْتُ مُتَخَذَ الْعٰمِلِیْنَ عٰمِدًا؛** من(خدا) آن کسی نیستم که گمراه کنندگان را دستیار خود بگیرم.(کهف، آیه ۵۱)

به سخن دیگر، همان طوری که انسان

از دیر باز بحث درباره اینکه بین تعهد و تخصص کدام را باید مقدم داشت و اصالت بخشید، مطرح بوده است؛ البته اگر بتوان کسی را انتخاب کرد که هر دو را داشته باشد، بسیار مطلوب و ایده آل خواهد بود، اما اگر در شرایطی قرار گیریم که بخواهیم میان متعهد و متخصص یکی را برای عملی انتخاب کنیم، برخی بسر این باورند که آدم متخصص مقدم است؛ زیرا آنکه کار از پیش می‌برد، متخصص یا تخصص‌ است؛ چرا که تعهد نمی‌تواند کار تخصص را انجام دهد و کار خراب می‌شود.

اما باید توجه داشت که اگر شخص، متخصص باشد ولی تعهدی برای استفاده درست از تخصص نداشته باشد، چه تضمینی است که کار به درستی پیش برود و بر خلاف تخصص خودش رفتار یا عمل نکند؟ به نظر می‌رسد نمی‌توان از تقدم مطلق و بی‌چون و چرای متخصص سخن گفت؛ زیرا ممکن است هیچ تعهدی به استفاده از تخصص خودش نداشته باشد؛ اما متعهد وقتی عهددار کاری می‌شود، چون تعهد دارد که کار را به درستی انجام دهد، وقتی در کاری خود را ناتوان دید، هرگز بر خلاف

صفحه ۶

سه‌شنبه ۲ بهمن ۱۳۹۷

۱۵ جمادی الاول۱۴۴۰ - شماره ۷-۲۲۱۰



### تفاوت نیت مومن و کافر

**قال‌النبی(ص): «نية المومن خیر من عمله و نية الکافر شر من عمله، و کل عامل یعمل علی نیته»**

پیامبر گرامی(ص) فرمود: نیت مومن بهتر از عملش می‌باشد و نیت کافر بدتر از عملش می‌باشد و هر عامل و فاعلی بر اساس نیت خود عمل می‌کند.<sup>(۱)</sup>

۱- الکافی، ج ۲، ص ۸۴



## حب مؤمنین و شراکت در عمل آنان

«علیه‌عوفی» می‌گوید: با جابر بن عبدالله به عزم قیر امیر حسین(ع) بیرون آمدم و چون به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک شد فرات رفته و غسل کرد و ردایی همانند شخص محرم بر تن نمود و همیان را گوشه که در آن یوش خود بود و خود را معطر کرد و هر گامی که برمی‌داشت، ذکر خدا می‌گفت تا نزدیک قبر مقدس رسید و به من گفت: دستم را بر روی قبر بگذار! چون چنین کردم، بر روی قبر از هوش رفت.

من آب بر روی جابر پاشیدم تا هوش آمد، آنگاه سه مرتبه گفت: یا حسین!..

آنگاه سلام داد و گفت: سلام بر شما ای ارواحی که در کنار حسین نزول کرده و آرמידید. گواهی می‌دهم که شما نماز را بپا داشته و زکات را ادا نموده و به معروف امر و از منکر نهی کردید، و با ملحدین و کفار مبارزه و جهاد کرده، و خدا را تا هنگام مردن عبادت نمودید.

و اضافه نمود: به آن خدایی که پیامبر(ص) را به حق معبود کرده، ما در آنچه شما شهیدان در آن وارد شده‌اید، شریک هستیم.

عطیه می‌گوید: به جابر گفتم: ما که کاری نکردیم! ایشان شهید شده‌اند. گفت: ای عطیه! از حبیبم، رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: «من احب قوماً حشر معهم و من احب قوم أشکرک فی علمهم» هر کس گروهی را دوست داشته باشد، با آنها محصور گردد، و هر کس عمل جماعتی را دوست داشته باشد،در عمل آنان شریک خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

۱- بحار(انوار، ج ۵۵، ص ۱۳۰



### پریش و پاسخ

### ترتب ثواب بر نیت خیر

پریش:

**نیت خیر و شر انسان قبل از وقوع عملی آن در محاسبه الهی از چه آثاری برخوردار است؟**

پاسخ:

پرواضح است که اعمال و رفتار انسان‌ها از افکار و نیت‌های آنان نشأت می‌گیرد، و هر کسی همان‌گونه که می‌اندیشد و نیت می‌کند عمل می‌کند. به تعبیر قرآن کریم «**کل یعمل علی شاکلته»** هر کس براساس شاکله (فکر و نیت خود) عمل می‌کند. (سراء- ۸۴) حال اگر مجموعه افکار و نیات انسان‌ها را به دو دسته خیر و شر و الهی و شیطانی تقسیم کنیم، بنابراین اعمال و رفتار انسان‌ها یا در جبهه حق و خیر و الهی قرار دارد یا در جبهه باطل و شر و شیطانی. در بعد رفتاری و عملکردها طبیعی است که هر کس براساس نوع عملکرد و اعمال و کردار خویش جزا و پاداش داده می‌شود. اما سؤال زمانی مطرح می‌شود که انسان به هر دلیلی نمی‌تواند و موفق نمی‌شود افکار و نیات خود را به منصف ظهور برساند و جنبه عینی و عملیاتی به آنها بدهد. در اینجا محاسبه الهی چگونه خواهد بود و چه آثاری برافکار و نیات خیر و شر انسان‌ها مترتب می‌شود؟

در اینکه نیت گناه، گناه شمرده می‌شود یا نه؟ جای بحث و بررسی است؛ ولی روایات (امراج) دلالت دارد بر این که نیت گناه، عقاب و دنبال ندارد. پیامبر(اکرم‌ص) فرمود: هر گناه دهانه قصد گناه کند و انجام ندهد، چیزی بر او نمی‌نویسند؛ و اگر عمل بد را انجام دهد، تنها همان یک گناه ابر او می‌نویسد.» (کنزالعمال، ج ۲، ص ۲۱۹)

این نکته نیز قابل توجه است که فکر و نیت گناه اگرچه گناه محسوب نمی‌شود و عقاب به دنبال ندارد، لکن بر روح انسان اثر منفی می‌گذارد و آن را آلوده و بدبو می‌کند، به یک روایت در این زمینه توجه کنید:

امام صادق(ع) فرمود: «حواریون نزد حضرت عیسی(ع) جمع شده، عرض کردند: ای معلم خوبی! ما را ارشاد او هدایت! نما. پس (عیسی) گفت: موسی، نیت خدا دستور داده که زن نکشید، و من دستور می‌دهم که فکر زن نکشد تا چه رسد به انجام آن؛ و اگر عمل بد را فکر زنا کند مثل کسی است که آتش را در اطاق زینت شده(رنگ‌کاری و سفید شده) روشن کند که دود زینت‌ها را از بین می‌برد، گرچه خانه آتش نمی‌گیرد.»(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۱۸)

### نیت خیر و ثواب آن

چنان‌که ذکر شد، نیت گناه و بدی، عقاب را به دنبال ندارد، اما نیت خیر، ثواب و پاداش را به دنبال خواهد داشت؛ در اینجا به نمونه‌هایی از روایات این باب اشاره می‌شود:

۱. رسول خدا(ص) «ما در مدینه افرادی را باقی گذاشتیم که هیچ وادی‌ای از نبیندیم و بر هیچ تپه‌ای بالا نرفتیم و در هیچ سرآسیبی قدم نگذاشتیم، مگر اینکه آنان نیز با ما بودند. عرض کردند: چگونه با ما هستند، پس ما این افراد را در غایت مغرور بود و نتوانست بیاید و در جنگ شرکت کند» و یا، نه بدون عذری از شرکت در جنگ خودداری کرد و نیامد؟ اگر مغرور نبود و نیامد، بهتر همان که نیامد، و اگر عذری داشته که با ما باشد، پس با ما بوده است.

۲. امام علی(ع) به مردی که آرزو می‌کرد کاش برادرش نیز حاضر می‌بود تا شاهد پیروزی خدا بر دشمنانش در جمل باشد، فرمود: «یا دل بادرش با ما بود؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: پس او با ما بوده است. هر آینه در این سیاه افرادی حضور داشتند که هنوز در پشت بدمان و زهدان مادران‌اند و به زودی روزگار آنان را به جهان هستی آورد و با وجود آنها (جبهه) ایمان نیرو گیرد (بفتح‌الف‌به) - خطبه ۵۵)

استاد مطهری(ره) شبیه این داستان را درباره جنگ صفین چنین نقل نموده است: «گناهای که امیرالمؤمنین(ع) از جنگ صفین مرحمت می‌نمود، شخصی از اصحاب آن حضرت خدمت ایشان آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دوست داشتم برادرم در این جنگ بود و به فیض درک رکاب شما ناثل می‌شد. حضرت در جواب فرمود: یگو نیتش چیست؟ تصمیم چه هست؟»
ایا این برادر در غایت مغرور بود و نتوانست بیاید و در جنگ شرکت کند» و یا، نه بدون عذری از شرکت در جنگ خودداری کرد و نیامد؟ اگر مغرور نبود و نیامد، بهتر همان که نیامد، و اگر عذری داشته که با ما باشد، پس با ما بوده است.

۳. آن مرد عرض کرد: بله یا امیرالمؤمنین! اینطور بود یعنی نیتش این بود که با ما باشد.

حضرت فرمود: پس نه تنها برادر تو با ما بود؛ بلکه با ما بوده‌اند کسانی که هنوز در جبه‌های مادران‌اند و افرادی که هنوز در جبه‌ها پدران‌اند و تا دامنه قیامت اگر افرادی یافت شوند که واقعا از صمیم قلب نیت و آرزوهایشان این باشد که ای کاش علی را درک می‌کردم و در رکاب او می‌جنگیدم، ما آنها را جزء اصحاب خود می‌شماریم.»(گفتارهای معنوی، ص ۲۳۷)

براساس همین منطبق است که در زیارت امام حسین(ع) عرضه می‌داریم:

«یا لیتنی تک معکم فافوز فوزاً عظیماً ای کاش من با شما بودم، پس به رستگاری بزرگی دست می‌یافتم، (و به شهادت می‌رسیدم).»

## صفحه معارف روز های: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱۰۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۲۲۱۰۳۵۲۲۲۱ Maaref@kayhan.ir